

جلوه‌های تدبیر و برنامه‌ریزی در نهضت حسینی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی نیا *

قال الله تعالی: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»^۱

مقدمه

نهضت حسینی، جلوه‌گاه تصمیم‌گیری، تدبیر و مدیریت در شرایط بحرانی است. بررسی تاریخ عاشورا، گویای آن است که امام حسین علیه السلام از ابتدا با یک برنامه‌ریزی دقیق، نهضت را شروع کرد و حتی در آخرین ساعات‌های حیات خویش از مؤثرترین تدابیر مدیریتی و رهبری استفاده نمود. آن حضرت با پیش‌بینی دقیق و برنامه خاص خود، نه شتابزده عمل می‌کرد و نه منفعلانه بلکه با تصمیمات به‌موقع و سنجیده، نهضت را به سوی هدف به پیش می‌برد. امام حسین علیه السلام صحنه‌ها را طوری ترتیب داده بود که گویی این حماسه باید تا قیامت باقی بماند. از آنجا که محتوای حرکت عاشورای حسینی علیه السلام، تبلور عینی یک الگوی رهبری موفق و مؤثر است؛ بررسی آن به عنوان یک مسئله مهم و زنده ضرورت دارد. در این راستا ابتدا به معنای تدبیر و اهمیت آن در اسلام و سپس به برخی از جلوه‌های تدبیر در حماسه عاشورا اشاره می‌کنیم.

معنای تدبیر

واژه «تدبیر» از ماده «دَبَّرَ» و «دُبِّرَ» به معنای پشت هر چیز و عقب است. تدبیر در لغت، به معنای دوراندیشی و نظر به عاقبت امر داشتن است.^۲ همچنین گفته‌اند: «تدبیر، تنظیم امور و ترتیب کارها و سامان دادن امور به بهترین نحو و استوارترین سازوکار است تا امور به عاقبت نیکو و نتیجه مطلوب برسد».^۳

* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان.

۱. النازعات: ۵.

۲. محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۳۵۷.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۶۶.

نقش و جایگاه تدبیر در اسلام

اهمیت تدبیر و مدیریت تا آنجاست که خداوند در قرآن به تدبیرکنندگان (فرشتگان) سوگند یاد کرده است: «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»^۱ سوگند به تدبیرکنندگان کارها». خداوند خود مدبّر است. در بند ۲۵ دعای جوشن کبیر می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُصَوِّرُ يَا مُقَدِّرُ يَا مُدَبِّرُ؛ خدایا از تو درخواست می‌کنم به نام تو ای صورت‌آفرین، ای تقدیرکننده، ای تدبیرکننده».

در روایات معصومین علیهم‌السلام به موضوع تدبیر در زندگی تأکید فراوانی شده است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش عقل، تدبیر امور است؛ چنانکه در آموزه‌های امام علی علیه‌السلام آمده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَدْبِيرِ»^۲ هیچ خردی چون برنامه‌ریزی و تدبیر مندی نیست». از منظر امام علی علیه‌السلام سامان زندگی در جهت مطلوب، در هر حوزه‌ای بستگی تام و تمام به تدبیر مندی دارد؛ چنانکه در روایتی از آن حضرت آمده است: «صَلَاحُ الْعَيْشِ التَّدْبِيرُ»^۳ سامان‌بخش گذران زندگی، برنامه‌ریزی و تدبیر مندی است». پایه و اساس زندگی سالم و بالنده، تدبیر صحیح است؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام بدان اشاره کرده و فرموده است: «قَوَامُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّدْوِيرِ وَ مَلَائِكَةُ حُسْنِ التَّدْوِيرِ»^۴ مایه پایداری زندگی، خوب سنجیدن و پایه آن برنامه‌ریزی و تدبیر مندی است».

زندگی بدون تدبیر، آشفته، متزلزل، گرفتار افراط و تفریط و بدعاقبت است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هشدار داده است: «مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْفَقْرَ وَ لَكِنْ أَخَافُ عَلَيْهِمْ سُوءَ التَّدْوِيرِ»^۵ من درباره امتم از فقر نگران نیستم؛ بلکه درباره ایشان از بدتدبیری نگرانم».

ابعاد عنصر تدبیر در نهضت حسینی

۱. تدبیر امام علیه‌السلام در حفاظت از خود و اهل بیتش

سیدالشهدا علیه‌السلام هنگام دیدار با ولید بن عتبه، والی مدینه پس از مرگ معاویه، با همراه داشتن گروه محافظی از جوانان بنی‌هاشم نزد والی رفت. آن حضرت جمعی از یاران، خویشان و پیروان خود را مسلحانه همراه برد؛ در حالی که شمشیرها را آخته زیر لباس‌ها پنهان کرده بودند و به آنان سفارش کرد که بیرون در بمانند و اگر صدای امام علیه‌السلام از درون به مددخواهی بلند شد، به داخل

۱. نازعات: ۵.

۲. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۴۱۶.

۴. همان، ص ۵۰۳.

۵. محمد بن علی ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۹.

بریزند و طبق فرمان حضرت عمل کنند.^۱

نمونه دیگر تدبیر امام علیه السلام در حفاظت از خود و اهل بیتش، خروج حضرت از مدینه است. سیدالشهدا علیه السلام به خوبی می‌دانست که حکومت به دنبال بهترین بهره‌برداری از عملکرد ایشان است و تلاش می‌کند با کمک تبلیغات گسترده، آن حضرت را به برهم زدن نظم حکومت و جنگ طلبی متهم کند. از این‌رو ایشان برای این که راه قضاوت‌های نادرست را ببندد، از مدینه خارج شد.

یزید قصد داشت امام حسین علیه السلام را به شکلی مبهم و پیچیده یا آشکار به قتل برساند. از همین‌رو نامه‌ای برای ولید بن عتبه، فرماندار مدینه نوشت و دستور داد از چهار نفر (حسین بن علی، عبدالله بن زبیر، عبدالله بن عمر و عبدالرحمن بن ابی‌بکر) برایش بیعت بگیرد و از هیچ سخت‌گیری درباره آن‌ها فروگذار نکند. او در نامه تأکید کرد: «فَمَنْ تَأْتِيْكَ مِنْهُمْ فَاصْرِبْ عُثْقَهُ وَابْعَثْ اِلَيَّْ بِرَأْسِهِ»^۲ هر یک از آنان از بیعت امتناع کرد، گردنش را بزن و سرش را برایم بفرست». بنابراین احتمال ترور بسیار زیاد بود. امام حسین علیه السلام با محاسبه واقع‌بینانه و تدبیر خاص برای اجتناب از تحقق این نقشه، از مدینه بیرون رفت.

۲. تعیین گزارشگر اطلاعاتی

اباعبدالله علیه السلام به اتفاق خانواده و همراهان از مدینه به سوی مکه حرکت کرد و برادرش، محمد حنفیه را در مدینه باقی گذاشت. تدبیر حضرت این بود که برادرش به عنوان گزارشگر اطلاعاتی، حرکت دشمن را زیر نظر بگیرد و آنچه را که در مدینه می‌گذرد، بی‌کم و کاست به آن حضرت برساند. آن حضرت در نامه به برادرش تعبیر «عین» (مأمور اطلاعاتی) را به کار برد: «وَأَقِمَا أَنْتَ فَلَا عَلَيْكَ أَنْ تُقِيمَ بِالْمَدِينَةِ فَتَكُونَ لِي عَيْنًا عَلَيْهِمْ لَا تُخْفِي عَنِّي شَيْئًا مِنْ أُمُورِهِمْ»^۳ و اما وظیفه‌ای که بر تو محول است، این است که در مدینه بمانی و در غیاب من آمد و رفت و حرکت مرموز دستیاران بنی‌امیه را در نظر بگیری و در این زمینه اطلاعات لازم را در اختیار من قرار بدهی».

۳. تدبیر امام در تشکیل کاروان تبلیغی

حرکت خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه زنان و کودکان کم‌سن و سال، حتی کودک شیرخوار تا کودکانی که باید دست‌شان را گرفت، عاطفه آن مردم را بر می‌انگیخت، بر دل‌های مرده‌آتش

۱. عبدالرزاق موسوی مقرر، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۱۲۹.

۲. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۸۸.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

می‌زد و سؤال‌هایی را در اذهان عمومی ایجاد می‌کرد که بعدها ثمره آن روشن شد. استاد مطهری می‌گوید: «یکی از هدف‌های تبلیغاتی حضرت این بود که اهل بیت علیهم‌السلام و کودکان خود را همراه خود ببرد و به این وسیله در واقع دشمن را ناآگاهانه استخدام کرد که حامل یک عده مبلغ برای امام حسین علیه‌السلام و برای اسلام حسینی علیه یزید باشد»^۱.

امام حسین علیه‌السلام در پاسخ به درخواست برادرش محمد بن حنفیه مبنی بر انصراف از سفر به مکه فرمود: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم [در خواب] نزد من آمد و فرمود: یا حسین! أُخْرِجِ إِلَيَّ الْعِرَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا؛ ای حسین! به سوی عراق برو؛ چرا که خدا خواسته است تو را کشته ببیند». محمد بن حنفیه گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. اکنون که برای کشته شدن می‌روی، این زن‌ها را برای چه با خود می‌بری؟». حسین علیه‌السلام فرمود: «رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به من فرمود: إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا؛ خداوند خواسته است که آن‌ها را اسیر ببیند»^۲.

آنچه بردن اهل بیت علیهم‌السلام را در جنگ، منطقی و معقول می‌کند، نقش رسانه‌ای بانوی اسوه و مقاومت در عاشورا، حضرت زینب علیه‌السلام بود. بانوی بزرگ کربلا توانست در عصر بی‌رسانه، صدای قدرتمندی شود که حتی تا کنون خواندن و تأمل در خطابه‌های فصیح و بلیغ‌اش، موجب شگفتی و پرسش و حتی اشک ریختن بر این واقعه می‌شود. نقش خطیر حضرت زینب علیه‌السلام، استراتژی رسواسازی دشمنان است.

۴. خروج از مکه

یکی از تدبیرهای امام حسین علیه‌السلام در نهضت عاشورا، خروج ایشان از مکه بود. امام علیه‌السلام در سوم شعبان سال ۶۰ هجری وارد شهر مکه شد و تا هشتم ذی‌الحجه، یعنی چهار ماه و پنج روز را در مکه توقف کرد. در زمانی که امام حسین علیه‌السلام در مکه بود، با استفاده از حضور تعداد زیادی از زائران خانه خدا در این شهر، توانست عده زیادی از مسلمانان را از ظلم و فساد حکومت یزید بن معاویه آگاه کند. خانه آن حضرت در مکه، تبدیل به کانون اعتراض و مخالفت با دستگاه جبار اموی شد و حاجیانی که به قصد زیارت خانه خدا می‌آمدند، از هدف‌های مقدس آن حضرت آگاه می‌شدند و پس از بازگشت به وطن خویش، مردم را روشن می‌کردند.

یزید برای مقابله با این فعالیت، عده‌ای را همراه با سلاح‌های بسیار برای ترور امام حسین علیه‌السلام در مکه فرستاده بود. امام علیه‌السلام مانند بیشتر در مکه را مساوی با بروز خطر جانی برای خود

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۳۴۰.

۲. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۷۵.

می‌دانست. از این‌رو برای خنثی کردن توطئه ترور و نیز حفظ حرمت حرم خدا و برای اینکه خونس در مکه ریخته نشود، روز هشتم ذی‌الحجه از مکه خارج شد. هشتم ذی‌الحجه را می‌توان نقطه آغاز نهضت حسینی دانست.

اگر چه مشهور است که امام حسین علیه السلام حج خود را به عمره تبدیل کرد، طواف و سعی انجام داد و از احرام بیرون آمد؛ چون نمی‌توانست حج خود را تکمیل کند،^۱ ولی به نظر بعید می‌آید که آن حضرت به احرام حج محرم شده باشد؛ زیرا کسی که می‌خواهد اعمال حج را انجام دهد، روز هشتم یا روز نهم ذی‌الحجه محرم می‌شود و دلیلی برای محرم شدن زودتر از موعد مقرر نیست. روایتی از امام صادق علیه السلام این نظر را ثابت می‌کند:

قَدْ اغْتَمَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام فِي ذِي الْحِجَّةِ ثُمَّ رَاحَ يَوْمَ التَّرْوِيهِ إِلَى الْعِرَاقِ وَ النَّاسُ يَزُوحُونَ إِلَى مِيٍّ وَ لَا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ لِمَنْ لَا يُرِيدُ الْحَجَّ؛^۲ حسین بن علی علیه السلام

در ماه ذی‌الحجه عمره انجام داد و سپس در روز ترویه (هشتم) به سوی عراق حرکت کرد و کسی که نمی‌خواهد حج انجام دهد، می‌تواند عمره انجام دهد.

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین روی دل با کاروان کربلا دارد حسین
از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست مروه پشت سر نهاد اما صفا دارد حسین
می‌برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم بیش از این‌ها حرمت کوی منا دارد حسین

ترک مکه در هشتم ذی‌الحجه (یوم الترویه) که از ایام حج است، نشان‌دهنده تدبیر دیگر امام حسین علیه السلام است؛ زیرا این امر باعث جلب توجه بیشتر همگان به مخالفت امام علیه السلام با حکومت جابرانه یزید شد. روز ترویه، حجاج یا در مکه جمع می‌شوند و یا از هر طرف به سوی مکه می‌آیند. مردم با تعجب به این کاروان نگاه می‌کردند و می‌گفتند چرا این قافله از مکه خارج می‌شود؟ حس کنجکاو، مردم را بر آن می‌داشت تا از ماجرا باخبر شوند. در واقع امام حسین علیه السلام فعالیت تبلیغاتی بسیار مؤثری برای بیدارسازی مردم ترتیب داد؛ زیرا با این اقدام به همه مردم ثابت کرد که یزید، نه به کعبه احترام می‌گذارد و نه به خون مسلمانان، نه به حرم الهی و نه به ماه‌های حرام.

۵. جمع‌آوری اطلاعات

از آنجا که آگاهی از وضعیت دشمن، نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌های فرمانده دارد،

۱. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۶۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۳۵.

سیدالشهدا علیه السلام پیوسته می‌کوشید از اوضاع داخلی کوفه اطلاعات کافی داشته باشد. از این رو گاهی در بین راه از مسافرانی که از کوفه می‌آمدند، از وضعیت کوفه جو یا می‌شد. ابن‌اعثم گوید: چون امام علیه السلام به «ذات عرق» رسید، مردی از بنی‌اسد به نام بشر بن غالب با آن حضرت دیدار کرد. امام علیه السلام پرسید: «از کدام قبیله‌ای؟». گفت: «از بنی‌اسد». پرسید: «از کجا می‌آیی؟». گفت: «از عراق». امام علیه السلام پرسید: «مردم عراق را در چه حالی دیدی؟». گفت: «خَلَفْتُ الثُّلُوبَ مَعَكَ، وَالشُّيُوفَ مَعَ بَنِي أُمَيَّةَ؛ دل‌ها با تو بود و شمشیرها با بنی‌امیه». امام علیه السلام فرمود: «صَدَقْتَ يَا أَخَا الْعَرَبِ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، وَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ؛^۱ راست می‌گویی ای برادر عرب! خداوند متعال آنچه را خواهد، می‌کند و آنچه را اراده کند، حکم می‌نماید».

۶. جذب نیرو

سیدالشهدا علیه السلام از هر فرصتی برای جذب نیرو به جبهه حق بهره می‌گرفت. شیوه مدیریتی امام علیه السلام، یارگیری و جذب افراد بود. بر این اساس در بین راه مکه و کوفه، با افرادی ملاقات داشت که می‌توان به دیدار زهیر، عبیدالله بن حرّ جعفی و ضحاک بن عبدالله مشرقی اشاره کرد؛ اگر چه پاسخ افراد یکسان نبود. عبیدالله را می‌توان از جا مانده‌های قافله امام حسین علیه السلام دانست. او از یاری رساندن به امام علیه السلام خودداری و پیشنهاد کرد حضرت اسب و شمشیرش را بپذیرد. حضرت علیه السلام فرمود:

يَا بْنَ الْحَرِّ! مَا جِئْنَاكَ لِنَرْسِكَ وَ سَيْفِكَ، إِنَّمَا أَتَيْنَاكَ لِنَسْأَلَكَ التُّضْرَةَ، فَإِنْ كُنْتَ قَدْ بَخَلْتَ عَلَيْنَا بِنَفْسِكَ فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي شَيْءٍ مِنْ مَالِكَ ... قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ يَقُولُ: مَنْ سَمِعَ دَاعِيَةَ أَهْلِ بَيْتِي وَ لَمْ يَنْصُرْهُمْ عَلَى حَقِّهِمْ إِلَّا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ؛^۲ ای فرزند حرّ! ما به قصد اسب و شمشیرت نیامدیم، ما آمدیم تا از تو یاری بطلبیم. اگر از تقدیم جانت در راه ما دریغ می‌ورزی، هیچ نیازی به مالت نداریم ... من از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود: هر کس فریاد استغاثه اهل بیت مرا بشنود و به یاری‌شان نشتابد، خداوند وی را به رودر آتش دوزخ اندازد.

ضحاک با امام حسین علیه السلام شرط کرده بود تا مادامی که آن حضرت یار و یاوروری دارد، در کنار او باشد و هنگامی که امام علیه السلام تنها شد، بتواند آن حضرت را ترک کند. از این رو در روز عاشورا و در

۱. موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. جمعی از نویسندگان، موسوعه کلمات الامام الحسين علیه السلام، ص ۳۶۷.

آخرین لحظات نزد امام علیه السلام آمد و شرط خود را یادآور شد و امام علیه السلام او را تصدیق کرد؛ اما زُهیر جزء رویش‌های کربلاست. امام حسین علیه السلام در منطقه «زُرود» با زُهیر بن قین و همراهانش برخورد کرد. زُهیر با دیدار با حضرت که با تشویق همسرش انجام شد، متحول گردید و به جمع عاشورائیان پیوست.^۱

۷. پالایش نیرو

امام حسین علیه السلام چندین بار در طول راه کربلا، با پیشگویی از آینده و خبر دادن از شهادت خود و همراهان، افراد بی‌انگیزه و دنیاپرست را که به امید غنیمت همراه شده بودند؛ تصفیه کرد تا گروه زبده و عاشق شهادت در میدان نبرد بمانند. هنگامی که امام علیه السلام به منزلگاه زباله رسید، خبر شهادت عبدالله بن یَظْطَر و مسلم و هانی را شنید. آن‌گاه نوشته‌ای را بیرون آورد و برای مردم خواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ فَقَدْ أَنَا خَبَرٌ فَضِيعٌ! قَتَلُ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلٍ وَ هَانِي بْنِ عُرْوَةَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَظْطَرَ، وَ قَدْ حَدَّثْنَا شِيعَتُنَا، فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمْ الْإِنصِرَافَ فَلْيُنصِرِفْ، لَيْسَ عَلَيْهِ مِنَّا ذِمَامٌ؛^۲ آ به نام خداوند بخشنده مهربان، اما بعد! خبر ناگوار شهادت مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یظطر به ما رسید. شیعیان ما از یاری‌مان دست کشیدند؛ پس هر کس از شما بخواهد برگردد، می‌تواند. هیچ بیعتی از ما بر عهده او نیست.

پس از پایان سخنان حضرت علیه السلام، مردم از چپ و راست از اطراف امام علیه السلام پراکنده شدند و تنها همان عده از یاران آن حضرت که از مدینه با او همراه بودند، باقی ماندند. گفت ای گروه هر که ندارد هوای ما سر گیرد و برون رود از کربلای ما

۸. ذخیره‌سازی آب و آرایش اردوگاه

حضرت در منزلگاه شراف، دستور دادند آب فراوان بردارند و صبحگاهان حرکت کنند. در میان راه و هنگام ظهر به لشکری برخوردند. امام علیه السلام با سرعت و قبل از دشمن در منزل دُو حَسَم مستقر شد. آن‌گاه امام علیه السلام فرمان داد تا لشکر دشمن و نیز اسبان آنان را سیراب کنند. وقتی سپاه حر بن یزید ریاحی به نزدیک کاروان امام حسین علیه السلام رسید؛ امام علیه السلام و یارانش، آنان را سیراب کردند و حتی به اسب‌هایشان نیز آب دادند.^۳

۱. محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۷۴.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۷۹.

امام علیه السلام با آن همه گرفتاری و با اطمینان به کشته شدن، با پشتکار و تدبیر عجیبی به فنون جنگی دست زد، شبانه خندق حفر کرد، پر از هیزم و نی نمود و خیمه‌ها را در یک‌جا به دور هم جمع کرد^۱ تا در مدتی هر چند کم و چند ساعت، از هجوم و محاصره دشمن جلوگیری کند و تا آخرین دقیقه عمر به آنچه مقدر او بود؛ در حفظ خود و خانواده کوتاهی نکرد. امام حسین علیه السلام صبح روز عاشورا، اصحاب را سازماندهی کرد و پس از نماز صبح، زهیر بن قین را فرمانده جناح راست و حبیب بن مظاهر را فرمانده جناح چپ قرار داد. سپس پرچم را به دست عباس علیه السلام سپرد. آن‌گاه چادرها را پشت سر خویش قرار دادند و در گودالی که پشت چادرها به صورت خندق حفر کرده بودند، هیزم و نی ریختند.^۲

۹. مهلت‌خواهی شب عاشورا برای عبادت

مهلت‌خواهی شب عاشورا و سپری کردن آن شب با انس با خدا و تلاوت و عبادت،^۳ تدبیر دیگر حضرت بود؛ زیرا امام علیه السلام می‌خواست به همگان بفهماند که برای صحبت کردن با معبود هستی، جا دارد انسان از دشمن نیز مهلت بگیرد و از طرفی نماز، دعا، خواندن قرآن، استغفار و زمزمه‌هایی که از خیمه‌ها برمی‌خاست، به عنوان عامل معنوی و تقویت روحی در شب قبل از عملیات مؤثر بود؛ به‌گونه‌ای که یاران در صبح عاشورا بی‌تاب شهادت بودند و شوخی می‌کردند و میان خود و بهشت، فاصله‌ای جز تحمل ضربت شمشیرها نمی‌دیدند.^۴

۱. همان، ص ۹۸.

۲. همان.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۴. حسن بن محمد دیلمی، ارشاد القلوب، ص ۴۴۶.

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌جمهور، محمد بن علی، عوالی اللئالی، قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، چاپ اول، قم: نشر بخشایش، ۱۳۷۷ش.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۵. جمعی از نویسندگان، موسوعه کلمات الامام الحسین علیه‌السلام، چاپ سوم، قم: دارالمعروف، ۱۳۷۴ش.
۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، چاپ اول، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۷. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه‌السلام، چاپ دوم، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۳ق.
۸. دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب، تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۷۵ق.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ سوم، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.
۱۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ش.
۱۴. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ترجمه هاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، [بی تا].
۱۵. موسوی مقرر، سید عبدالرزاق، مقتل الحسین علیه‌السلام، قم: مؤسسه البعثة، [بی تا].

